

کلام رهبر



تشکل‌های دانشجویی!

مخاطبان تان را افزایش دهید

خیلی از شماها از پیشرفت‌های کشور واقعاً مطلع نیستید؛ یعنی سنّ تان هم اقتضا نمی‌کند؛ دبیرستان بودید حالا هم آماده‌اید دانشگاه فرصت نکرده‌اید. ما دائم گفتیم تانو، شما می‌دانید که بله یک نابوی وجود دارد، یک کسانی هم دارند کار می‌کنند؛ زرفتید از مایشگاه تانو را ببینید، زرفتید بعضی از آزمایشگاه‌های علمی را یا محصولات علمی را ببینید، زرفتید کارهای خدماتی‌ای را که بعضی از نهادهای خدماتی کرده‌اند ببینید؛ واقعاً تورهای علمی بگذارید، بنشینید تفاهم کنید، ۴۰-۵۰ نفر از بچه‌ها راه بیفتند بروند اینجا آنجا و ببینند. خوب شما مناطق آزاد را می‌بینید غصه‌دار می‌شوید -حق هم دارید- اما بروید این چیزها را هم ببینید تا امیدوار بشوید، خوشحال بشوید؛ ببینید این چیزها هم در کشور هست؛ این سطح آگاهی‌ها بالا می‌برود...

یک وظیفه دیگری برای تشکل‌ها وجود دارد و آن توسعه مخاطبان در سطح دانشجویی است؛ مخاطبان تان را افزایش دهید. از این پنج میلیون دانشجو، تعداد کسانی که مخاطبان شما هستند خیلی کمند، نسبت‌شان خیلی نسبت پائینی است؛ کاری کنید که این نسبت بالا برود... خوب، این هم [الزاماتی دارد، باید انسان اخلاقی داشته باشد، حوصله داشته باشد، تحمل شنیدن حرف مخالف داشته باشد]- از این چیزها لازم است دیگر- مسلط بر مطلب باشد تا بتواند. گاهی اوقات حتی لازم می‌شود که انسان [افط] با یک مخاطب حرف بزند، یعنی برای اقناع یک مخاطب [برای] خود بنده در آن دوران‌های کنایی سخت اختناق، اتفاق افتاده بود که دو ساعت، سه ساعت یک نفر صحبت می‌کردم سر یک قضیه‌ای که او واقع کنم؛ گاهی ما دو نفر، گاهی با پنج نفر، گاهی جلسات مکرر نوبه‌ای، گاهی همین‌طور دفعی؛ اینجا چیزهایی است که اثر می‌گذارد...

۱۲ تیر ۱۳۹۵

تربیبون دانشجویی

دانشجویان دانشگاه نفت را

حذف نکنید

هوشنگ سیدی*

دانشگاه صنعت نفت در شرایطی یکی از دانشگاه‌های برتر ایران محسوب می‌شود که هر ساله با توجه به امتیازات و امکاناتی که به رتبه‌های برتر کنکور اهدا می‌کند توانایی جذب دانشجویان برتر و نخبه‌را پیدا کرده است. تعهدات دانشگاه صنعت نفت شامل تعهد جذب و استخدام، بورسیه تحصیلی و... است.

در سال‌های گذشته وزارت نفت به این تعهد پایبند بود اما پس از سال ۹۴ این تعهد را اجرا نمی‌کند و متأسفانه فارغ‌التحصیلان دانشگاه نفت پس از فارغ‌التحصیلی با مشتی وعده پوچ روبرو شده‌اند. متأسفانه با توجه به ابلاغیه خرداد ۱۳۹۴ وزیر محترم نفت، مبنی بر ممنوعیت هر گونه استخدام و جذب نیروی انسانی در تمامی دستگاه‌های تابعه وزارت نفت، علیرغم امتیازات و وعده‌های داده شده به دانشجویان دانشگاه صنعت نفت و اعتماد دانشجویان به آنها، سرنوشته دانش آموختگان و دانشجویان دانشگاه صنعت نفت تحت‌الشعاع قرار گرفته است، با توجه به ماهیت تخصصی رشته‌های دانشگاه صنعت نفت و محدود بودن آنها به صنایع نفت و گاز و متعهد به خدمت بودن دانش آموختگان در مجموعه وزارت نفت و توسعه استفاده و جذب دانش آموختگان و دانشجویان شانس اندکی جهت استخدام در مجموعه‌های خارج از وزارت نفت را خواهند داشت.

پس از پیگیری‌ها و اعتراض‌های دانشجویان به این مسئله و تحمیل و انقباض وزارت نفت در دی ماه ابلاغیه‌ای مهمم صادر نمود که متأسفانه نه تنها شرایط را بهبود بخشید بلکه باعث شد آینده دانشگاه نفت هم با خطر مواجه شود و در آینده نتواند جایگاه برتر خود را حفظ کند چراکه با لغو تعهد جذب دانشجویان با رتبه‌های برتر دیگر این داشگاه را انتخاب نخواهند کرد. حال سوال اینجاست که با توجه به شرایط سخت دانشکده‌های فنی مهندسی این دانشگاه، با حذف بزرگ‌ترین امتیاز جذب افراد برتر کنکور سراسری در رشته‌های کاملاً انحصاری و تخصصی در این دانشگاه، چه کسی پاسخگوی افت شدید رتبه‌های ورودی در سال‌های آتی و افت کیفی به وجود آمده در نیروی متخصص برای صنعت نفت خواهد بود؟ آیا این تصمیم منجر به وابستگی بیشتر صنعت نفت و کشور به بیگانگان نخواهد شد؟

نکته دیگر حذف و محدود کردن رشته‌های تخصصی دانشگاه صنعت نفت است. به عنوان مثال رشته مهندسی آتش که دو سال پیش حذف شد می‌توانست توسعه پیدا کند و جلوی خیلی از حوادث را بگیرد و از هدر رفت سرمایه کشور در سوانح آتش‌سوزی که این روزها شاهد آن در صنایع وابسته به نفت و گاز هستیم، نباشیم. امیدواریم وزارت نفت با توجه به شعار اقتصاد مقاومتی و در جهت رشد و پیشرفت کشور و خودکفا شدن وزارت نفت به جهت کوتاه شدن دست مافیای نفت و خارجی‌ها از این صنعت مهم کشور در تصمیم خود تجدید نظر کند و حق دانشجویان را ضایع نکند.

* دانشجوی دانشگاه صنعت نفت

گزارش

بهروز کلاته

استخدام دولتی و دیگر هیچ ریشه‌یکاری فارغ‌التحصیلان است



یکی از مسائلی که در کشور ما مرسوم است پرسیدن آینده شغلی افراد از دوران کودکی‌شان است. این مسئله در دید و بازدیدهای خانوادگی، موضوع انشاء در مدرسه، صحبت‌های دوستانه کودکان و نوجوانان و حتی برخی بازی‌ها به کرات مطرح می‌شود. جالب است بسیاری از پاسخ‌ها یعنی انتخاب شغل آینده در گروه یافتن به دانشگاه است. کودکان، پدر و مادرها و شاید خیلی‌های دیگر این تصور را دارند که باید برای رسیدن به شغل به دانشگاه رفت، البته مسلم است برای کسب عنوانی همچون دکتر، مهندس و خیلی دیگر از صفت‌ها باید وارد دانشگاه شد و تحصیلات دانشگاهی داشت اما این تصور که با ورود به دانشگاه می‌توان مهندس یا پزشک شد خیال‌خام است.

بگذارید مرور کنیم از لحظه‌ای که وارد دانشگاه می‌شویم تا موقعی که از دانشگاه خارج می‌شویم چه اتفاقی رخ می‌دهد و ما چه به دست می‌آوریم و آیا آنچه که به دست می‌آوریم ما را به هدفمان یعنی یک مهندس یا هر عنوان دیگری که بتواند در جامعه شغلی داشته باشد، می‌رساند؟

وقتی بعد از تلاش‌های شبانه‌روزی و گذشتن از سد کنکور جواز ورود به دانشگاه را کسب می‌کنیم دانشجویان بسته به نوع دانشگاه به چند نوع تقسیم می‌شوند که عبارتند از: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در چه نوع آیداهل جامعه ماست، دانشجویان سایر دانشگاه‌های دولتی، دانشجویان دانشگاه آزاد، دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی، دانشجویان دانشگاه پیام نور و سایر دانشگاه‌ها.

این دسته‌بندی به این دلیل است که نوع آموزش‌ها و اعتبار این دانشگاه‌ها متفاوت است و در جامعه، بین فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها تفاوت قابل می‌شوند. اما نقطه مشترک بین همه فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها علیرغم همه دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد و آن بیکاری و نداشتن شغل در جامعه پس از فارغ‌التحصیلی است. متأسفانه در دانشگاه‌های کشور ما تنها به یک مسئله اهمیت داده می‌شود و آن مسئله تحصیل و گذراندن دروس است و تنها تفاوتی که در دسته‌بندی فوق وجود دارد تفاوت در نحوه کیفیت ارائه دروس، رتبه ورودی دانشجویان، سطح اساتید و اعتبار علمی است که این دانشگاه‌ها را متفاوت از یکدیگر جلوه

می‌دهد. دانشگاه در طی حداقل چهار سال تحصیل نه تنها دانشجویان را با هیچ کدام از واقعیات جامعه آشنا نمی‌کند بلکه با کشیدن حصار اطراف دانشگاه محیط دانشگاه را از جامعه جدا کرده و یک شخصیت کاذب به دانشجوی می‌دهد و او را یافته‌ای جدا یافته‌بار می‌آورد. دانشجوی در طول حداقل چهار سال تحصیل در دانشگاه از طرف هیچ نهادی در دانشگاه برای اینکه در سطح جامعه حرف را رشد و پیشرفت هزاران نفر به جز او در حال هستند، آماده اندک بود درست تلقی می‌شد اما اکنون که هر روستایی یک واحد دانشگاهی دارد و بیش از چهار میلیون نفر دانشجو در کشور وجود دارد، حتماً نادرست است.

اگر بخواهیم کمی عمیق‌تر به این مسئله بنگریم عامل مؤثر دیگری که باعث شده در جامعه این کارآفرینی و نسواری به این موضوع فکر کنند که چگونه می‌توان در بیرون از دانشگاه پای این سفره خدادادی نشست و از آن تراق کرد. به عبارت بهتر دانشجوی کشور ما چه در دوران تحصیل و چه پس از فارغ‌التحصیلی به این فکر می‌کند که چگونه می‌تواند یا می‌شود که او پس از دوران دانشگاه به استخدام یکی از ارگان‌های دولتی یا شبه‌دولتی دربیاید و او هم همچون هزاران نفر دیگر مستقیماً و بدون زحمت از

سفره نفت ارتزاق کند. البته عامل نفوذ و رخنه چنین تفکری در بین دانشجویان کشور به عنوان قشر فریخته و روشنفکر تنها دانشگاه نیست بلکه جامعه ایران به این مسئله عادت کرده است که بهترین نوع اشتغال کارمندی است و هر فردی که به دانشگاه می‌رود باید پس از فراغت از تحصیل به عنوان کارمند یکی از دستگاه‌های دولتی استخدام شود. این تفکر اینکه در سطح جامعه حرف را رشد و پیشرفت هزاران نفر به جز او در حال هستند، آماده اندک بود درست تلقی می‌شد اما اکنون که هر روستایی یک واحد دانشگاهی دارد و بیش از چهار میلیون نفر دانشجو در کشور وجود دارد، حتماً نادرست است.

اگر بخواهیم کمی عمیق‌تر به این مسئله بنگریم عامل مؤثر دیگری که باعث شده در جامعه این تفکر حاصل شود که دانشجویان پس از فراغت از تحصیل همه باید به استخدام دولت دربیانند دولت‌مردان و مسئولان هستند. بیایید فرض کنیم در جامعه ما مشکلی وجود دارد و مسئولان می‌خواهند آن را رفع کنند. مثلاً فرض کنیم که می‌خواهیم از یک تکنولوژی جدید در هیچ ربطی به رشته‌شان ندارند مگر آنکه دولت آنها را استخدام کند!

با چنین مشکلی روبه‌رو می‌شوند صنعت به دانشگاه مراجعه می‌کند، برای دانشگاه مسئله تعریف می‌کند و دانشگاه را با موضوع درگیر می‌کند تا مسئله را حل کند، اما در ایران چطور؟ مسئولان ما اگر احیاناً با چنین مشکلی مواجه شوند در ابتدا سعی می‌کنند صورت مسئله را پاک کنند و در نهایت اگر نتوانند صورت مسئله را پاک کنند سرریاً یک هیئت بلندپایه مذاکره کننده تشکیل می‌دهند تا برود و تکنولوژی را از خارج کشور وارد کند و این وسط دانشگاه ما، قشر دانشگاهی ما و... نهایتاً نقش اپورت را خواهد داشت! خوب طبیعی است وقتی دانشگاه دانشجویان مسائل جامعه درگیر نباشد و ده‌ها سال از جامعه عقب‌تر باشد نمی‌تواند کارآفرین باشد و باید در استخدام دولت باشد و به عنوان کارمند با حقوقی بخور و نمیر کار کند.

بنابراین باید گفت تا زمانی که نگاه ما به توسعه دانشگاه اینچنین باشد که هر دانشگاهی با هر نوع کیفیتی دایر کنیم تا فقط دروس را به دانشجویان ارائه دهد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ما هم پس از فارغ‌التحصیلی بیکار هستند یا در شغلی کاذب مشغول می‌شوند که هیچ ربطی به رشته‌شان ندارند مگر آنکه دولت آنها را استخدام کند!

رفاقت پول و پردیس، تکرار طرح‌های آموزشی گذشته

دولتی را ندارند بلکه در بسیاری موارد نسبت به دانشگاه‌های آزاد و مؤسسات غیرانتفاعی نیز از سطح پایین‌تری برخوردارند. طبق برنامه پنجم توسعه هدف از تأسیس این دانشگاه‌ها تشویق دانشجویان خارجی به منظور تحصیل در دانشگاه‌های داخل کشور و زمینه‌سازی برای تحصیل دانشجویان داخلی در آینده‌ای نزدیک در این دانشگاه‌ها اعلام شده است اما پس از گذشت چند دهه هنوز هدف اول محقق نشده و تمامی توجهات و انتظارات گروه دوم نیز برآورده نشده است.

طبق اظهار نظر همین دانشجویان علاوه بر هزینه سرسام‌آور شهریه‌ها، به دلیل تأسیس بیشتر این دانشگاه‌ها در مناطق آزاد، دانشجویان جهت اقامت و امرار معاش متحمل هزینه‌های بیشتری می‌شوند که این موضوع شرایط تحصیل را برای آنها بسیار سخت‌تر می‌کند. دانشجویان معتقدند هزینه‌های این دانشگاه به گونه‌ای است که تنها افراد مرفه دانشگاه می‌توانند در آن تحصیل کنند و هر کسی شرایط تأمین هزینه‌های تحصیل در این دانشگاه‌ها را ندارد اما مسئولان اظهار می‌کنند که هزینه‌های این دانشگاه بسیار کمتر از دانشگاه‌های مطرح دنیا است و افراد از قشر متوسط نیز می‌توانند در پردیس‌های خودگردان تحصیل کنند.

و باز هم طبق اظهار همین مسئولان، شهریه ثابت این دانشگاه‌ها در مقطع تحصیلات تکمیلی بین دو میلیون تا دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بوده و شهریه متغیر نیز به فراخور نوع رشته و واحد عملی یا تئوری تفاوت می‌کند اما دانشجویان رشته‌های فنی برخی از این

نیهای کمکی به چرخه تولید و اثرگذاری نقش علم در خروج از رکود نخواهد کرد. همچنان که این راه را سه دهه پیش دانشگاه‌های آزاد و طی سال‌های اخیر مؤسسات غیرانتفاعی پیموده‌اند و نتیجه چندان از این طرح‌ها حاصل نشده است. طبق آخرین آمار تعداد ۵۲ واحد پردیس خودگردان در سراسر کشور زمینه تحصیل بیش از ۲۰ هزار دانشجویاً فراهم کرده‌اند و اکثریت آنها به لحاظ کیفیت آموزشی در شرایط مطلوبی به سر نمی‌برند و بیشتر به منبئی درآمذرا برای دانشگاه دولتی متبوع خود تبدیل شده‌اند. به نظر می‌رسد این‌نامه و عملکرد این دانشگاه‌ها نیاز به بازبینی و بازتعریف داشته باشد تا بتوان تحت آموزش این زوهای کاری آمد و با بهره‌وری بالا تحویل جامعه داد.

از سویی دیگر به دلیل مشکلاتی که دانشگاه‌ها در تأمین هزینه‌های خود دارند و همچنین تداوم مفقود ماندن تلفه از ارتباط بین صنعت و دانشگاه، وزارت علوم مجبور است نه تنها با فعالیت پردیس‌های خودگردان و بین‌المللی مخالفت نکند بلکه تعداد آنها را نیز افزایش دهد که این افزایش به نوبه خود مشکلات عدیدهای را در آینده برای جامعه علمی ایران رقم خواهد زد.

بودجه فعلی که به دانشگاه‌ها اختصاص پیدا کرده پاسخگوی تأمین پروژه‌های فرهنگی و عمرانی دانشگاه‌ها نیست بنابراین این دانشگاه‌ها چاره‌ای ندارند جز اینکه ظرفیت‌های خالی و توان هیئت علمی خود را در ازای مبالغ کلان شهریه در اختیار پردیس‌های خودگردان قرار دهند. متأسفانه در پردیس‌ها اولویت‌ها در بحث آموزش جایجا شده و اخیراً شاهد هستیم حتی افراد با ضریب هوشی پایین و معدل غیرقابل قبول با پرداخت شهریه در این دانشگاه‌ها به تحصیل مشغول شده و از ظرفیت سایر دانشجویان استفاده می‌کنند و همین موضوع باعث شده اعتبار مدارک فارغ‌التحصیلان پردیس‌ها چندان قابل قبول نباشد.

در نهایت امید است وزارت علوم و دستگاه‌های مربوطه با اعمال نظر دقیق و سنجیده و با بهره گرفتن از نظر کارشناسان زنده در بخش آموزش، با نگاهی ژرف و آینده‌نگر مسائل و مشکلات این بخش از آموزش عالی را مورد بررسی قرار داده و در جهت اعتلای هر چه بیشتر این مراکز در مسیر برنامه‌های مصوب آن گام بردارند.

حرف استاد

دانشجویان

به دنبال کسب مهارت باشند



دکتر امیرعلی‌شهبی کرمراده

استاد دانشگاه شهید چمران اهواز

با این روش گزینش بسیاری از دانشجویان خیال می‌کنند باید برای داشتن زندگی بهتر حتماً مدارک تحصیلات تکمیلی داشته باشند لذا باید در جامعه فرهنگ‌سازی کرد تا چنین تفکری زوده شود. دانشجویان باید به‌جای داشتن دغدغه تحصیلات تکمیلی، در جست‌وجوی فراگیری یک حرفه و مهارت باشند چراکه تحصیلات، سال‌های بسیاری از عمر آدمی را صرف می‌کنند. تنها افراد محدودی که به دنبال تحقیق و پژوهش و تولید علم هستند، باید به‌واسطه علاقه و نه بر اساس تصور اشتباه عموم بر لزوم داشتن تحصیلات تکمیلی وارد این مقاطع شوند.

دانشگاه‌ها باید با توجه به امکانات و توانایی و سطح توانمندی اعضای هیئت علمی خود درصدد پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی برآیند. لذا اولین نکته‌ای که باید در مورد جذب دانشجوی دکتری رعایت کرد کاهش ظرفیت پذیرش است.

به‌طور کلی پذیرش دانشجوی دکتری از طریق برگزاری کنکور مانند مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و رتبه‌بندی دانشجویان کاری بسیار اشتباه و به ضرر مملکت، بوده‌چ. و است. کشور باید بطور دیگری با دانشجویان برخورد کند تا به‌جای دغدغه دستیابی به تحصیلات بالاتر، مهارت کار و سازندگی را فراگیرند.

روایت دانشجویی



گریه‌های زیر باران

مریم حدادی

گوشه چادرم را مرتب می‌کنم و خودم را برای حضور در کلاس برانداز. در تمام مسیر حرف‌هایی که برای جلسه اول باید به دانشجویان بگویم را چند بار مرور کرده‌ام. امیدوارم همه چیز همان طور که انتظار دارم پیش برود. آخرین گام‌هایم را برمی‌دارم. پشت در کلاس ۳۱۰ می‌ایستم، در راه به آرامی باز و سلام می‌کنم. جواب سلامی از چند نفر می‌گیرم. به سمت تخته برمی‌گردم، یک لحظه فکر می‌کنم که اشتباه آمده‌ام. نرم، همکلاس‌ام به جای من ایستاده است. چرا ایست حضور و غیاب کلاس حل تمرین من را در دستش گرفته؟ خودش نگاه متعجب من را می‌خواند، به سمت می‌آید، سعی می‌کند صدایش را پایین بیاورد. سرش را به سمت گوشه کج می‌کند، چتری‌های خاکستری و طلایی‌اش را کنار می‌زند و می‌گوید، ارحله، دکتر معماریان گفت من به جای تو حل تمرین درس برنامه‌سازی بیشتر هستم. هنوز انگار متوجه نشدم چه اتفاقی افتاده است. نگاهی به پشت سرم می‌اندازم و دانشجویانی که ما دو نفر را نگاه می‌کنند. به ترم من می‌گویم: ممکنه بیای بیرون؟ سرش را به سمت پایین تکان می‌دهد که یعنی بله! در کلاس در می‌بندم، می‌گویم: کی این تصمیم قطعی شد؟ خود دکتر معماریان سه هفته پیش به من آمیل زدند و گفتن که نمره الف این ترم من هستم، به همین خاطر حل تمرین این درس با من هست. ترم سری تکان می‌دهد، در یروز به من گفتن من بیام سر این کلاس، بهتره از خودتون بپرسی!

حق با او است، سری تکان می‌دهم و به سمت دفتر دکتر حرکت می‌کنم. در باز است. چند ضربه به در می‌زنم، سعی می‌کنم خودم را خونسرد نشان دهم. دکتر سرش توی لب‌تاپ است، نگاهش به من می‌افتد و می‌گوید: خانوم افتخاری برما داخل. دست‌های من خسته‌شده‌ام را زیر چادر پنهان می‌کنم. می‌گویم: آقای دکتر من فکر می‌کردم بنا به گفته شما حل تمرین درس برنامه‌سازی بیشترفته این ترم هستم؛ اما خانم مختاری سر کلاس درس حسادت فکر می‌کردم تغییرات رو به من هم اطلاع می‌دید. حالا به هر دلیلی که بوده. دکتر از روی صندلی بلند می‌شود؛ حق با شماست، اما دخترم شما همیشه کم‌حرف‌تر از بقیه هستی مثلاً همین جلسات آزمایشگاه نرم‌افزار. فکر کردم خودت رو توی معذورت نذارم و هم گفتم خانوم مختاری مدیریت کلاس و فن بیان بهتری دارا

چشم‌هایم به تعجب برقی می‌زنند! سررم را پایین می‌اندازم، سعی می‌کنم به خودم مسلط باشم، می‌گویم: استاد فکر نمی‌کردم اینکه تنها جواب مسئله‌ها را بدهم و با دانشجویان دیگر در مذاحسا و گفت‌وگوهای بی‌ربط به کلاس همراهی نکم، نشانه نداشتن فن بیان باشد! این برخورد رو از جایگاه اسنادی مثل شما انتظار نداشتم. امیدوارم برای ترم‌های بعد قبل از انتخاب دستیار آموزشی مایک‌های مد نظر تون رو بسنجید.

به چشم‌های استاد نگاه می‌کنم. کاملاً معلوم است که انتظار چنین جوابی را از من نداشته است. قبل از اینکه اشک‌هایم جاری شود، خداحافظی می‌گویم و از دفتر خارج می‌شوم. خودم را به باران‌های خنک بهمن ماه می‌رسانم. زیر آسمان ابری می‌روم و اجازه می‌دهم با گریه کردن کمی آرام شوم.

